

خبرایات

طایر قدسم واز دام جهان برخیزم



تاریخ شادمانه شهادت می‌دهد شهر از عشاق خالی نیست خیابان حجاب به میزبانی دوست حجاب از چهره برمی‌دارد هر که شد محرم دل در حرم یار بماند این خیل مشتاق کجا می‌شتابند؟ کانون کودکانه‌ها و رویاهای غبارگرفته یار سفرکرده را پذیرا شده قاسم جولایی «مسافر» پسرپچه‌های سرتق «لباس برای عروسی» دلنگ و بی‌قرار خالقشاندن مردی با عینک سیاه که مهربانانه هوای گمنامان تاریخ را داشت احمد احمدپور راه پشته را

در خیابان حجاب می‌جوید حسین سبزیان خیرندیده از این دنیا دلش به نمای نزدیک با یار خوش است دیدار به دیار باقی غریب و آشنا گمنام و از نام عبور کرده عکست را بالا بردند مرد تنهای پنهان‌شده پشت عینک سیاه خانه دوست اینجاست چه شادگامانه زندگی را بر سر مرگ آوار کردی چه رندانه با مرگ بازی کردی سهراب صدايت می‌زند فیلسوف عاشق را در سادگی باید شناخت تو را با چشمان اشک‌بار می‌شناسیم سوزهای شیرینت نظاره‌گر تو در پهنه تاریخند تا به بویبت ز جهان رقص کنان برخیزند

پیشنهاد روز

دونت ویلن وییانوبلزیکي‌ها در ارسباران

● **شرق:** «دو هنرمند بین‌المللی بلژیکی» تازه‌ترین کنسرت پژوهشی خود را در قالب «دونت ویلن و پیانو» پنجشنبه ۲۴ تیر ساعت ۲۱ در فرهنگ‌سرای ارسباران برگزار می‌کنند. به گزارش روابطعمومی فرهنگ‌سرای ارسباران، در این کنسرت آثاری از موتزارت، بتهوون، فرانک دوریس و وسترلیک اجرا خواهد شد. همچنین مسترکلاس دو هنرمند بلژیکی برای اولین‌بار جمعه ۲۵تیر در فرهنگ‌سرای ارسباران برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند به فرهنگ‌سرای ارسباران به نشانی خیابان شریعتی، بالاتر از سیدخندان، خیابان جلفا مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۲۲۸۷۸۱۸-۰۲۱ تماس بگیرند.

ادامه از صفحه ۹

زنده‌باشد تا آدم‌ها را بشناسد

لا نمی‌خواهیم به شخصیت پوریا لیلل بجسبانیم ولی به‌هرحال، شما به واسطه سال‌ها فعالیت در تئاتر با اصطلاحات آشنا هستید. به نظر می‌رسد رفتار او «کامووار» است. آلبر کامو انسانی است که چون به محدودبودن حیات و اینکه یک روز به «نیستی» خواهد رسید، فکر می‌کند، به‌شدت سعی می‌کند در لحظه خوش باشد. البته درباره موضوعات جدی هم بافشاری‌های خودش را دارد...

برای نمونه وطنی این موضوع، خیام را داریم که زیست در لحظه و غنیمت‌دانستنِ ذم را یک اصل می‌داند. شاید بشود گفت بله، به چنین طرز فکری شباهت دارد و به آن نزدیک است. درواقع معنای وجود و معنای زندگی که بحث اصلی مکتب اکزستانسیالیسم است، در حال مرور است، تفسیر و نتیجه آن در این نمایش دیده می‌شود. از این نظر می‌توانیم تأمل خوبی روی این نمایش داشته باشیم.
● **برخی از پرسش‌هایی که مطرح می‌کنیم، صرف مواجهه با یک بازیگر نیست. به‌هرحال، باور ما این است بازیگر یک هنرمند است؛ در معنایی که بشود تعریفش کرد. البته این تعریف جایگاه اصلی بازیگر نیست، به‌هرحال او یک تشکر اجتماعی است...**

درواقع او اول انسان و بعد هنرمند است. درک و دریافتی دارد که اثر را از آن خود می‌کند و زمانی که به اثر می‌رسد، در مقام اجرا آنها را به منصف ظهور می‌گذارد. فاکتورهایی از بیان‌های اجتماعی تئاتر هم در این نمایش وجود دارد. برای مثال، ما عشقی در این تئاتر می‌بینیم. با وجود اینکه در جاهایی ممکن است به نظر بعضی‌ها هزّه‌انگاری‌هایی در ذهن پوریا باشد؛ به واسطه لطیفه‌هایی که تعریف می‌کند و شوخی‌هایی که انجام می‌دهد، اما در مقام عمل می‌بینیم او به چه چیزی معتقد است. اعتقاد او همان عشق است.

شرق: یک هفته پس از آنکه پرویز تاولی با ممنوع‌الخروج‌بودن در فرودگاه مواجه شد، در دادگاه فرهنگ و رسانه حاضر شد تا اتهام «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی» به وی تفهیم شود. پرویز تاولی که صبح روز گذشته، ۲۰ تیر در دادگاه فرهنگ و رسانه حضور داشت، درباره اتهاماتش به ایلنا گفت: «صبح دیروز به دادگاه مراجعه کردم. مطلع شدم که شاکی این پرونده؛ نیروی انتظامی و ناجاست و نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی اتهاماتی بود که به من وارد شده است. این اتهامات را براساس مجموعه کارهایی که تاکنون انجام داده‌ام، به من وارد دانسته‌اند. به گفته آنها، مجسمه‌هایی که ساختم‌ام مصداق تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب است».

این هنرمند با اشاره به مجسمه‌هایی که در این پرونده از آنها نام برده شده بود، افزود: «مجموعه کارهایم در کاخ‌موزه نیاوران و مجموعه‌ای که اخیرا در گالری شهرویر با عنوان «تاولی و ۵۰ سال هنر

پاپ» نمایش داده شده، همچنین مجسمه‌هایی که در مجموعه شخصی‌ام نگهداری می‌کنم، از موارد اشاره‌شده در این پرونده بود. درحال‌حاضر قرار صادرشده برایم در این پرونده ممنوع‌الخروجی است. قرار است وکیل‌م عکس‌ها و اطلاعاتی از مجموعه کارهایم را به دادگاه ارائه دهد تا مشخص شود کدام‌یک از آنها مصداق تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب است». او با بیان اینکه ۵۰ سال است که کار می‌کنم و تاکنون هیچ‌کدام از آثارم چنین مشکلی را نداشتند، خاطرنشان کرد: «قطعا کسی پشت این ماجرا قرار دارد اما من نمی‌دانم که چه کسی و با چه قصدی این کار را انجام می‌دهد؟»

این هنرمند با اشاره به اینکه مجسمه‌هایش در کاخ‌موزه نیاوران مربوط به مکتب سقاخانه است، ادامه داد: «حدود چندماه پیش نیز روزنامه کیهان

«ناجا» از مجسمه‌ساز ایرانی شکایت کرد

مجسمه‌های «تاولی» مصداق تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب

اتهاماتی مانند همین اتهامات اخیر را به من وارد کرده و ادعا کرده بود مجسمه‌هایی که در کاخ‌موزه نیاوران وجود دارد؛ برخی قسمت‌های خاص بدن در آنها مشخص است که پاسخ آنها را دادیم و مشخص شد این ادعا بی‌اساس بوده است». تاولی با بیان اینکه مضمون مجسمه‌های مکتب سقاخانه؛ مذهبی است، ادامه داد: «در آن زمان وزارت ارشاد از من خواست اطلاعاتی درباره آنها ارائه دهم و موضوع ختم به خیر شد. اما امروز دوباره همان مسائل را با جملات و موارد دیگری مطرح می‌کنند». او در پاسخ به این سؤال که آیا احضاریه از طرف دادگاه برای شما ارسال شده بود، گفت: «تاکنون هیچ احضاریه برای من نیامده و من تا لحظه حضور در دادگاه از هیچ‌کدام از اتهاماتم باخبر نبودم». این هنرمند در واکنش به گفته‌های مجید ملانوروزی، مدیرکل هنرهای تجسمی درباره مشکل



پیکر عباس کیارستمی در خانه ابدی‌اش آرام گرفت

روز جشن آینه‌ها

خواهد پیچید و این‌گونه جاودانه شد».

همچنین حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی یادآور شد: «امروز مرد آرام و بی‌ادعای فرهنگ و تمدن کهن، دفتر و دیوانش را به‌سادگی برمی‌چیند و می‌برد. او که همه دیده بود و چشم، چشم از جهان فرو می‌بندد و آرام و بی‌صدا می‌رود. در جهان جهانی‌شده مردی از سرزمین خورشید برآمده از لایه‌لای هزاران‌هزار دفتر و دیوان به پشتوانه تمدنی همیشه پرستشگر یزدان و دل سازها و آوازهای ایرانی، مسردی از جنس نور و روشنایی بر خراست و انسان را به تماشا خواند و بشریت را به تماشای خود کمشده‌اش فراخواند». و ادامه داد: «بایاید امروز را روز غزا بنامیم؛ روز جشن آینه‌ها بدانیم، چشم‌ها را بشویم. امروز روز رز نیست، روز وداع نیست، روز بزم خدا و روز دف و سورتانست».

مسعود کیمیایی هم در این مراسم از او به‌عنوان چهره ماندگار یاد کرد. و احمد کیارستمی، فرزند ارشد استاد در پایان متذکر شد: «از ستاد بدرقه‌ای که در خانه سینما برای تشییع پدرم تشکیل و برنامه‌ریزی‌هایی که از بارسی تا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انجام شده بود، تشکر می‌کنم. به طور ویژه قدردان رضا میرکریمی، سیف‌الله صمدیان، رخشان بنی‌اعتماد و

ممنوع‌الخروجی‌اش گفت: «این مسئله اصلا شخصی نیست». تاولی در پایان اظهارکرد: «بی‌نهایت بابت این مسائل متأسفم چراکه برنامه‌های بسیاری دارم و قرار بود چندین نمایشگاه در خارج از کشور برگزار کنم، همچنین قرار بود در کانادا یک عمل جراحی بسیار مهم داشته باشم اما با مسائلی که پیش آمده، مشخص نیست می‌توانم آنها را انجام دهم یا نه».

پرویز تاولی، مجسمه‌ساز شناخته‌شده ایرانی ساعت دو بامداد شنبه، ۱۲ تر قصد مسافرت از تهران به لندن را داشت. هدف او از این سفر شرکت در مراسم رونمایی از کتابی است که هنوز به زبان فارسی منتشر نشده است. موزه بریتانیا از این کتاب استقبال کرده است و به همین دلیل مسئولان این موزه تصمیم گرفتند آن را ۱۳ تر رونمایی کنند که علاوه‌بر دعوت از تاولی برای سخنرانی، از میهمان‌های دیگری از نقاط مختلف دنیا مثل آمریکا، انگلستان، فرانسه و... برای سخنرانی دعوت شده بود.

نیز دست‌اندرکاران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هستم و اینکه از طرف خودم از برادرم بهمن تشکر می‌کنم که در این چهار ماه خیلی سختی کشید و از پدرم به‌خوبی مراقبت کرد و شرایط را تاب آورد.

در این سال‌هایی که از پدرم کمتر فیلمی در اینجا به نمایش درآمد، کم دیده بودم گله‌ای کند، ولی چند سال قبل که مراسم بزرگداشتی در ایران برای او برگزار شد، احساس خوبی داشت و معتقد بود آدم این همه در جشنواره‌های جهانی شرکت می‌کند، اما وقتی در خانه خودش مراسم برپا می‌کنند، چیز دیگری است».

سپس حجت‌الاسلام محمود دعایی، بر پیکر عباس کیارستمی نماز خواند و بعد برای خاکسپاری به دهکده لواسان منتقل شد. گفتنی است در این مراسم غیر از سخنرانان، هنرمندان و شخصیت‌هایی همچون محمدرضا اصلانی، سودابه فضائلی، رخشان بنی‌اعتماد، ترانه علیدوستی، نیکي کریمی، علی رفیعی، مجید مجیدی، شهرام ناظری، رضا میرکریمی، بهمن فرمان‌آرا، هدیه تهرانی، محمدرضا خاتمی، حافظ ناظری، علی صفا، بابک احمدی، غلامرضا نامی، داریوش فرهنگ، فریبرز عرب‌نیا، محمود کلاری، لایلا حاتمی، حسین فریدون، دستیار ویژه رئیس‌جمهوری، علیرضا تابش، مدیرعامل قارابی، علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد، احمد مسجدجامعی عضو شورای شهر تهران، مصطفی‌ی کواکبیان، نماینده مجلس شورای اسلامی، مریلا زارعی، فرشته طائرپور، رضا کاینیان، پری ملکی، علی صفا، عادل بزوده، احمد پوری، اکبر زنجان‌پور، محمد سریر، نادر مشایخی، جهانگیر کوثری، امیر جعفری، باران کوثری، ابراهیم مختاری، یدالله صمدی، آتیلا یسائی، نرگس آتیار، سیدضیاءالدین دری، ماهیا پطروسیان، حبیب رضایی، جعفر بنایی، همایون اسعدیان، حسین پاکدل، عاطفه رضوی، حسن پورشیرازی، بیتا فرهی، رویا نونهالی، منوچهر شاهسواری، مازیار میری، محمدرضا مومینی، امیر آثابی، الهام پناه‌زاد، شهرام مکری، عبدالحسین مختاباد، فرهاد اصلانی، جواد مجابی، علیرضا افتخاری، هوشنگ مرادی‌کرمانی، حسام‌الدین سراج، حسین رضایی (بازیگر زیر درختان زیتون)، سهیل محمودی، علیرضا رضاداد، ابراهیم مختاری، امین تارخ، مجید مظفری، عادل فردوسی‌پور و... حضور داشتند.

سخنان اصغر فرهادی در وداع با کیارستمی

سپاسگزارم نه به این خاطر که زیبایی‌های جهان را می‌دیدید، بلکه چون جهان را زیبا می‌دیدید. سپاسگزارم که دوری از هیاهو را آموختید. که با همه بزرگی‌تان، از دایره فروتنی فرط نلغزیدید. من از شما سپاسگزارم به خاطر همه زحماتان. و زحمت آخر، رساندن این پیغام: آقای کیارستمی عزیزم، تو اگر در تیش باغ خدا را دیدی، همت کن و بگو ما‌هی‌ها، حوض‌شان بی‌آب است

عصبانی نیستم، غمگینم

تکرار و تکرار می‌شود چون او الف و بای سینما را کامل کرد، همچون فردوسی‌که اگر امروز ما به زبان فارسی سخن می‌گوییم از شاهنامه او داریم. من مجموعه آثار عباس کیارستمی را به مانند شاهنامه‌ای می‌بینم که ماناست و با گذر زمان بر عیار آن افزون می‌شود. اما ما باید غمگین باشیم. ما باید بسیار غمگین باشیم از ناپیده‌شدن‌ها و غمگین از مانع‌تراشی‌هایی که باعث شد کیارستمی سال‌ها در وطن فیلم نسازد. ما باید غمگین باشیم چون سال‌هاست فیلم‌های او در وطن به اکران عمومی درنیامده است و این حدیث مفصلی است که برای دیگر کیارستمی‌های وطن مدام تکرار می‌شود. از بهرام بیضایی تا ناصر تقوایی و کیانوش عیاری که هنوز زنده هستند و نفس می‌کشند غافل مانده‌ایم و فردا روزی که این گوهران را از دست دهیم قصه غمگین‌بودن ما باز تکرار می‌شود. اینجا آسمان آبی است، زمین محکم است و هوا برای تنفس آن‌قدر هست که هنرمند وطن ترک دیار نکند. بهتر نیست آسمان و زمین و هوا را همیشه پاک نگه داریم؟ و نگذاریم پاریس و پاریس‌های دیگر هنرمند وطن را به بوسه مرگ دعوت کنند.

هنر

خانه دوست

آینه‌ای بود عباس کیارستمی



● **هایده صفی‌یاری:** آینه‌ای بود عباس کیارستمی خبر که آمد، نمی‌خواستم باور کنم. دنبال کسی بودم که بگوید واقعیت ندارد؛ اما... خبر این بار تکذیب نشد؛ عباس کیارستمی دیگر فیلم نخواهد ساخت. همیشه شگفت‌زده‌ام می‌کرد؛ موضوعات به‌ظاهر ساده را با زبانی آن‌هم به‌ظاهر و فقط به‌ظاهر ساده چنان می‌ساخت که فراموشمان می‌شد به تماشای فیلم نشسته‌ایم... ساده، اما تیز و دقیق. آن نگاه برعطوفت که هرگز موعظه نشد، چشم بر جهان بست، آن جان بی‌قرار باوقار. آینه‌ای بود عباس کیارستمی...

چگونه باور کنیم نبودنت را...



● **ابراهیم شبانی:** چگونه باور کنیم نبودنت را... تو از زیر آرزوهای به‌خاک‌نشسته، از میان آدم‌های خسته و ناتوان از رویابافتن؛ از کنج همه نداشتن‌ها و نبودن‌ها برخاستی! و بی‌خیال حضوری شدی بی‌پروا! حالا تو بگو!

چگونه باور کنیم خلا دنیای بی‌جاذبه از نبودنت را...

تقدیر از زندگی‌با مرگ



● **علیرضا امینی :** بعضی از مرگ‌ها برای ما آدم‌ها دلگتی و ناراحتی به‌همراه می‌آورند؛ آدمی از فقدان از دست‌دادن عزیزی ناراحت و متأثر می‌شود. اما بعضی مرگ‌ها تأثیرگذار هستند و مرگ آقای عباس کیارستمی روی روند فکری، ذهنی و روحی من تأثیر زیادی داشت. مرگ حق است؛ همه ما روزی می‌میریم. اما رفتن و عزیمت آقای کیارستمی به دیار باقی، نه‌تنها برای من، بلکه برای بسیاری از فیلم‌سازان جور دیگری رقم خورد. رفتن او جهان فکری من را برای سالیان‌سال تحت‌تأثیر خود قرار داد. عباس کیارستمی با مرگش زندگی را تقدیر کرد. در فیلم «باد ما را خواهد برد» سوزّه اصلی داستان مرگ است؛ اما از زندگی تقدیر می‌شود. به نظر من این فیلم از زندگی کیارستمی سخن گفت...

زیر آسمان فیر وزم‌ای

«ملیحه نیکی‌چومند» در خانه ابدی آرام گرفت



● **پیکر ملیحه نیکی‌چومند،** بازیگر پیش‌کسوت سینما و تلویزیون، به آرامگاه ابدی بدرقه شد. به گزارش ایسنا، پیکر مرحوم ملیحه نیکی‌چومند صبح روز یکشنبه (۲۰ تیر) با حضور اعضای خانواده و بر شانه هنرمندان سینما و تلویزیون، از مقابل منزل فرزند او تشییع و به قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) بدرقه شد. با وجود هم‌زمانی این مراسم با تشییع پیکر زنده‌یاد عباس کیارستمی، جمعی از هنرمندان سینما، تئاتر و تلویزیون از جمله مهتاب کرامتی، پرستو صالحی، حدیث فولادوند، کامران ملکی، علی دهکردی، امیر نوری، بهروز شعبی، هدایت هاشمی، حبیب اسماعیلی و... در این مراسم شرکت داشتند. این بازیگر قدیمی در پی وقوع یک سانحه و آسیب‌دیدگی، از هفته گذشته در بیمارستان خاتم‌الانبیاء بستری شده بود و در نهایت عصر ۱۷ تیر دار فانی را وداع گفت. مرحومه ملیحه نیکیچومند با نام مستعار شیده رحمانی، متولد ۱۳۱۱ در همدان بود. او در سال ۱۳۳۱ با فعالیت در تئاتر سپاهان وارد دنیای هنر و از سال ۱۳۳۴ با فیلم «خسپس» وارد سینما شد و سپس در سال ۱۳۳۷ کار دوبله را آغاز کرد. این بازیگر طی چهار دهه فعالیت هنری‌اش در نمایش‌هایی نظیر «همسایه‌ها»، «همت»، «باغ آبالو»، «فالگیر»، «آیینه شکسته»، «موش و گربه» و فیلم‌هایی ازجمله «جدایی»، «شازده احجاب»، «مردی که زیاد می‌دانست»، «آوار»، «مادیان»، «آتش در زمستان»، «آن سوی مه»، «ماموریت»، «طلسم»، «بهار در پاییز»، «هی جو»، «شب دهم»، «افسانه مه پلنگ» و سریال‌هایی مانند «سربداران» و «پوعلی‌بای»، «پاپیز بلند»، «این خانه دور است» و «آشپزباشی» بازی کرد.

مجلس یادبود این هنرمند ساعت ۱۴ الی ۱۵:۳۰ روز سه‌شنبه – ۲۲ تیر – در مسجد پیامبر اعظم به نشانی خیابان شریعتی، بالاتر از چهارراه قصر، روبه‌روی پارک اندیشه، ورودی ۱۱ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات برگزار می‌شود.